



Physical aspect of response to fear in the historical city of Tabriz, Gajar-era

ABSTRACT INFO

Article Type

Original Research

Authors

1. Shole Rezaei-zunuz
 - 2*. Ahad Nejadebrahimi
 3. Minou Gharebaglou
-

1. Ph.D. Candidate of Islamic Architecture, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Islamic Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

2*. Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Islamic Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

3. Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Islamic Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

ABSTRACT

Problem: In some historical periods in Iranian cities such as Tabriz there is a physical response to the fears caused by wars and insecurity which urban narratives are shown among the general public, especially people of age, such phenomena also exist in the mentality of the people.

Target: The purpose of the current research is to investigate the state of the architectural elements of the historical city of Tabriz, such as alleys fences, gates, neighborhoods, residential areas, etc., in the face of urban fears.

Method: This research is of the research-fundamental theories type, and the interpretative-historical research method and the means of collecting information in the form of library, historical documents and texts and based on content analysis.

Result: Findings show that in the past, the city was built using research studies such as gate, tower and barrow, fence, moat, narrow alleys and covered alleys, houses with short doors, lower outer and inner courtyards, etc. The level of the crossing in the three areas of territory surveillance and the appearance of the environment gave a suitable answer to the concept of urban fear. In future researches, there is a need to examine each of the elements such as the house in more detail.

Key Words: Urban fear, Fear and architecture, Historical city of Tabriz, Qajar period

*Corresponding Author

ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir

Article History

Receive : November 30 , 2022

Accepted : April 9 , 2023

Copyright© 2020, TMU Press. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

نمود کالبدی پاسخ به ترس در شهر تاریخی تبریز، دوره قاجار^۱

شعله رضائی زنونز

دانشجوی دکتری معماری اسلامی، گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.

احد نژاد ابراهیمی*

استاد معماری، گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

مینو قره بگلو

استاد معماری، گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

نتیجه گیری: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در گذشته، در شهر تبریز با استفاده از عناصر کالبدی مرتبط با سکونت‌پذیری مثل کوچه‌های تنگ و باریک گاه‌ها سرپوشیده، خانه‌هایی با درب کوتاه، دالان‌های ورودی پریپیچ و خم، حیاط‌های بیرونی و اندرونی پایین‌تر از سطح معبر و غیره در سه حوزه قلمرو، نظارت و سیمای محیط پاسخی مناسب به مفهوم ترس شهری می‌داده‌اند.

واژگان کلیدی: ترس شهری، ترس و معماری، شهر تاریخی تبریز، دوره قاجار

تاریخ دریافت: [۹/ ۱۴۰۱/۹]

تاریخ پذیرش: [۲۰/ ۱۴۰۲/۱]

* نویسنده مسئول: ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir

۱. مقدمه

ترس ترکیبی از واکنش‌های فیزیولوژیکی و روانی با هدف به حداکثر رساندن احتمال زنده ماندن در موقعیت‌های خطرناک است. واکنش‌های ترس از طریق ارزیابی آگاهانه از موقعیت برانگیخته می‌شود [۱]. واکنش‌ها می‌تواند به صورت فریز یا فرار باشد که حالت جدایی و فرار از ترس را نشان می‌دهد و یا به صورت جنگ باشد که درگیری مستقیم با ترس است [۲]. از آنجایی که شهرهای تاریخی ایران همیشه با جنگ‌ها و ناامنی‌ها و بی‌نظمی‌های داخلی مواجه بوده‌اند. ترس شهری در طول تاریخ همیشه مطرح بوده است. ترس شهری با توجه به عمومیت خود در جامعه پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی است [۳] و شهرسازی همیشه با نیاز به محافظت در برابر آن مواجه بوده است. محافظت در برابر مهاجمان در واقع انگیزه اصلی برای ساختن شهرهایی بوده است که مرزهایشان اغلب با دیوارها یا حصارهای وسیع مشخص می‌شده است، از روستاهای باستانی بین‌النهرین تا شهرهای قرون وسطایی و سکونتگاه‌های بومیان آمریکا [۲]. پاسخ کالبدی به چنین ترس‌هایی یک نوع درگیری مستقیم با ترس است و نمود برطرف کردن این نیاز در شهرهای تاریخی با احداث خندق‌ها، حصارها، دیوارها، کوچه‌های تنگ و باریک، ساباط‌ها و دیگر موارد نمایان می‌شده است.

شهر تبریز یکی از کهن‌ترین سکونتگاه‌های انسانی در شمال غرب ایران است. این شهر به دلیل اهمیت خود از

چکیده

بیان مسئله: در برخی دوره‌های تاریخی در شهرهای ایران نظیر تبریز، ترس‌های شهری ناشی از جنگ‌ها و ناامنی‌ها وجود داشته است که اهالی شهر با عناصر معماری مثل برج و بارو، احداث خندق و غیره، پاسخ کالبدی به این نوع ترس‌ها می‌داده‌اند. روایت‌های شهری در میان عموم علی‌الخصوص افراد پا به سن گذاشته نشان می‌دهد، چنین پدیده‌ای در ذهنیت مردم هم وجود داشته است.

هدف: هدف پژوهش حاضر، شناسایی ترس‌های شهری و بررسی وضعیت عناصر معماری شهر تاریخی تبریز می‌باشد، برای این منظور در این پژوهش، عناصر کالبدی مرتبط با سکونت‌پذیری در شهر تبریز از جمله: کوچه‌ها، محلات، خانه‌ها و غیره در مواجهه با ترس‌های شهری مورد بررسی قرار گرفته است.

روش تحقیق: این پژوهش از نوع تحقیق‌های نظری- بنیادی می‌باشد و روش پژوهش توصیفی- تاریخی و ابزار گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی، اسنادی و متون تاریخی است. برای نمونه‌موردی، به دلیل در ابهام بودن ابعاد شهر تبریز در دوره‌های قبل از قاجار، دوره قاجار انتخاب گشته است. در راستای هدف پژوهش، در ابتدا به مطالعه‌ی مفهوم ترس شهری پرداخته و در ادامه پژوهش نمونه‌موردی ارزیابی گردیده است.

است که تحت نظر سایر نویسندگان در دانشگاه هنر اسلامی تبریز به انجام رسید.

^۱ این مقاله مستخرج از گزارش پژوهشی نویسنده اول برای درس "تاریخ فرهنگی معماری اسلامی ایران" در مقطع دکتری رشته معماری اسلامی

خرابی‌های جنگ و زلزله‌های پی‌درپی و نبود هیچ نوع آثاری از قبل از دوره قاجار، برای بررسی انتخاب گردیده‌است.

۳. مبانی نظری پژوهش

برای بررسی عناصر معماری بکار رفته در شهر تبریز دوره قاجار در مقابل ترس شهری ابتدا به توصیف مفهوم ترس و ترس شهری پرداخته می‌شود. همچنین در این بخش مولفه‌های ترس شهری بر اساس مطالعات صورت‌گرفته در این زمینه شناسایی می‌گردد، سپس پاسخ‌های کالبدی لازم برای این مولفه‌ها شناسایی می‌گردد که این پاسخ‌ها در ادامه پژوهش در نمونه موردی تحلیل می‌گردد.

۱.۳. مفهوم ترس شهری

فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد، ترس را به عنوان احساس درد یا ناراحتی ناشی از احساس خطر قریب‌الوقوع و به عنوان حالتی از اضطراب ناشی از نگرانی برای ایمنی یک شخص یا چیز بیان می‌کند [۵]. ترس یک احساس ناراحت کننده ناشی از پیش بینی یا آگاهی از خطر [۶-۷] و یک احساس ذاتی و بد اولیه است که در افراد سراسر جهان یکسان بیان می‌شود [۸] و در موقعیت‌های تهدید و خطر به وجود می‌آید و انسان را قادر می‌سازد که به طور سازگارانه به آنها پاسخ دهد [۱].

ترس درک منفی از مکان است [۹] و زمانی اتفاق می‌افتد که شخص امنیت شخصی خود را در معرض خطر احساس کند [۷] و کنترل خود از محیطی را که در آن زندگی می‌کند از دست داده باشد [۸]. ترس می‌تواند سطوح مختلف داشته باشد و از ترس فردی تا ترس جمعی متغیر باشد، انتقال ترس به سطح جامعه می‌تواند در کیفیت محیطی تاثیر مستقیم داشته باشد. ترس می‌تواند در نحوه استفاده از محیط و رفتار ساکنین تاثیر گذار باشد به گونه‌ای که افراد در محیط‌های ناامن محتاط‌تر می‌شوند و به نشانه‌های اجتماعی و فیزیکی موجود در آن توجه بیشتری نشان می‌دهند. ترس استفاده از محیط و قلمروی محیط را محدود می‌کند و باعث کاهش انسجام محله شده و احساس اجتماعی را کاهش می‌دهد و باعث می‌گردد ساکنان در خانه و محله خود احساس زندانی بودن کنند [۱۰]. بنابراین ترس باعث کاهش استفاده از فضاهای عمومی و محیط بیرون شده و افراد را مجبور به عقب نشینی به فضاهای خصوصی می‌کند در حالی که جذابیت‌های شهری و نیازهای روزانه افراد آنها را وادار به ترک خانه و استفاده از محیط بیرون می‌کنند [۹]. بر این اساس توجه

نظر سیاسی، اقتصادی و همچنین به لحاظ واقع شدن در خط مقدم جنگ، حماسه‌سازترین نقطه ایران در طول ادوار تاریخ محسوب می‌شود. به گونه‌ای که با جنگ، خونریزی، قتل، غارت و خیانت خو گرفته بوده است. بنابراین هیچگاه محله‌ای نمی‌توانسته است از دست غارتگری جان سالم به در برد [۴]. در برخی از سفرنامه‌ها و کتاب‌های تاریخی درباره پاسخ کالبدی این شهر در برابر ترس‌های شهری مطالبی ذکر شده است، به عنوان مثال در کتاب "جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران و آذربایجان از نظر جهانگردان" ابوالقاسم طاهری (۱۳۴۷) از کوچه‌های تنگ و باریک سخن آمده است که دلیل آن را ناشی از ممانعت ورود اسب‌سوارهای بیگانه ذکر کرده‌اند. از آنجایی که ترس می‌تواند یکی از عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری ساختار شهر باشد، هدف پژوهش حاضر، شناسایی ترس‌های شهری و بررسی وضعیت عناصر کالبدی مرتبط با سکونت‌پذیری در شهر تبریز از جمله: کوچه‌ها، محلات، خانه‌ها و غیره در مواجهه با ترس‌های شهری می‌باشد.

۲. روش تحقیق

روش پژوهش حاضر تفسیری- تاریخی و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، اسنادی و بر اساس متون تاریخی می‌باشد. در پژوهش حاضر در بخش اول، مطالعات و تحقیقات انجام شده در حوزه مفهوم ترس شهری مورد بررسی قرار داده شده است و پس از جمع‌بندی در خصوص مولفه‌ها و معیارهای ترس در بستر شهر و پاسخ کالبدی به آن، مطالعات تاریخی بخش دوم پژوهش انجام گردیده‌است. در بخش دوم از اسناد و پژوهش‌های عمومی منابع دست اول چون سفرنامه‌ها و گزارش‌های تاریخ نگاران دوره مطالعاتی و کتب تاریخی برای استخراج نمود کالبدی پاسخ به ترس در شهر تبریز دوره قاجار استفاده شده است. همچنین به بررسی چند نمونه بنای موجود از دوره قاجار در شهر تبریز به صورت میدانی و بر اساس پلان‌های موجود در کتب تاریخی پرداخته شده‌است.

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال می‌باشد که عناصر کالبدی مرتبط با سکونت‌پذیری در شهر تبریز از جمله: کوچه‌ها، محلات، خانه‌ها و غیره در مواجهه با ترس‌های شهری، چه وضعیتی داشته‌اند؟ برای نمونه موردی شهر تبریز دوره قاجار، به دلیل در ابهام بودن ابعاد شهر در دوره ماقبل به لحاظ وقوع

در نتیجه ترس را گسترش می‌دهد [۱۷]. همچنین نقاشی‌های دیواری نامناسب، بی‌نظمی‌های فیزیکی و محیطی مثل، اغتشاش بصری، محصوریت نامطلوب، گوشه‌های پنهان، فضاهای رها و گم شده، جداره‌های بسته‌ی طولانی، اندازه بزرگ فضا، تداخل مرز قلمرو عمومی و خصوصی، ساختمان‌های نیمه کاره، ابنیه تخریبی، شریان‌های عبوری بزرگ مقیاس و به نسبت‌های زیاد و طولانی، متروهای تاریک، پارک‌های خالی با جنگل‌های انبوه، از زیرموفه‌های عامل محیطی و کالبدی ترس شهری می‌باشد [۷-۱۸-۱۴].

● **عوامل اجتماعی-سیاسی و اقتصادی:** ترس‌های ناشی از رقابت‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی، جنگ‌ها و غارت‌هاییکه در طول تاریخ برای کنترل فضاهای جغرافیایی و گسترش قلمرو وجود داشته است منجر به آن شد که ساختارهای ویژه ای برای حفاظت از سرزمین، پاسداری از هویت‌ها و غیره شکل بگیرد و تکامل یابد [۱۹].

● **عوامل روان‌شناسی و فرهنگی:** تجربه و خاطره از بلاهای طبیعی مثل سیل، زلزله و غیره و همچنین جنگ‌ها و ناامنی‌ها نوعی ترس را از نظر روانی به وجود می‌آورد که انسان را بر آن می‌دارد تا برای حفظ جان خود محیط جغرافیایی خود را بهتر بشناسد و در راه کنترل و یا کاهش آسیب‌های ناشی از آن اقداماتی نماید [۱۹]. این مولفه‌ی ترس، ترکیب پیچیده از واقعیت و خیال هستند. این ترس‌ها هم از موقعیت‌ها و واقعیات‌های عینی سرچشمه گرفته‌اند، هم به صورت اسطوره‌ها و ذهنیت‌ها و صورت‌های نمادین در قالب شعر، ادبیات و روایت‌های مختلف در شکل‌گیری ذهن ما حضور داشته‌اند. ترس در طول زمان و از طریق تجربه‌های زیسته جمعی به صورت الگوهای فرهنگی و ناخودآگاه جمعی درآمد و به تعبیر کارل جانگ (Carl Jung) به کهن‌الگوها تبدیل شده‌اند [۳].

به دلیل وجود ترس شهری، نیاز به امنیت احساس می‌گردد [۲۰]. کلمنتس (۱۳۸۴)، معانی لغوی امنیت را رهایی از خطر یا مخاطرات و یا لطامت، ایمنی روانی، رهایی از هراس یا تردید، مشوش نبودن، نبودن چیزی که ایمنی می‌دهد و اطمینان می‌بخشد، تعریف می‌کند [۲۱]. جایی که افراد سطوح بالایی از ترس را تجربه می‌کنند به عنوان فضای ناایمن شناخته می‌شود. مفهوم شهر ایمن، ایجاد یک طرح واکنش واحد در شرایط اضطراری بزرگ است [۲۲]. شهر امن شهری است که بتوان با پاسخ‌های

به محیط با ذهنیت از ترس ارتباط مستقیم داشته و از گذشته برای این موضوع راهکارهای معماری پیشنهاد می‌داده‌اند.

ترس شهری بنابر عمومیت خود در جامعه، پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی است. چرا که اگر ساز و کارهای مولد ترس فراگیر و تهاجمی باشند، طوری که ما نتوانیم خود را از آنها جدا سازیم، ترس دیگر نوعی تجربه شخصی نیست، بلکه زمینه‌ای جمعی برای تجربه‌ای است که هر فردی به ناچار با آن مواجه می‌شود [۳].

نظریه‌پردازان و پژوهشگران در پژوهش‌های خود به برخی مولفه‌ها و شاخص‌های ترس شهری اشاره کرده‌اند، باکراتسا (Bakratsa 2011) عوامل جمعیتی (سن، جنس، وضعیت اقتصادی-اجتماعی)، تجربه قربانی شدن، ویژگی‌های محلات [۱۱]، رومان و همکاران (Roman et al 2009)، عوامل کالبدی-محیطی (ساختار جغرافیایی، خشونت فیزیکی، اجتماعی، مرز و محدودیت، امکان نظارت، روشنایی و نور پردازی)، عوامل اجتماعی-جمعیتی و فیزیولوژیکی (جنس، سن، نژاد، ناتوانی و وضعیت مالی)، عوامل روانشناسی-فرهنگی (تجربه و خاطره، سابقه قربانی شدن، افسانه‌ها و داستان‌ها) [۱۲]، (پاک نهاد ۱۳۹۲)، عوامل فردی (سن، جنس)، سابقه بزه‌دیدگی، محیط اجتماعی و طبیعی، رسانه‌ها، عملکرد دستگاه دولتی [۱۳]، (پورمحمدی و قربانیان ۱۳۹۳)، عوامل درونی (فردی-روان‌شناختی) و بیرونی (مجموعه عوامل محیطی-بوم‌شناختی نظیر اجتماعی-اقتصادی-فرهنگی-سیاسی-تکنولوژی و فیزیکی) [۱۴]، (افشار و همکاران ۱۳۹۷)، بی‌سازمانی اجتماعی (تنوع خرده فرهنگ‌ها، بی‌نظمی اجتماعی و نگرانی اجتماعی)، کنترل اجتماعی، پنجره‌های شکسته، فضاهای قابل دفاع شهری، تاثیر رسانه‌ها، آسیب‌پذیری، قربانی شدن [۱۵]، را به عنوان مولفه‌های ترس شهری شناسایی کرده‌اند.

با جمع‌بندی مولفه‌ها و شاخص‌های ترس شهری که در پژوهش‌های مختلف در چارچوب ذهنی پژوهشگران و نظریه پردازان بدانها پرداخته شده است می‌توان به سه عامل کلی، کالبدی-محیطی، اجتماعی-سیاسی و اقتصادی و روانشناسی-فرهنگی اشاره کرد.

● **عوامل کالبدی و محیطی:** از عوامل تاثیرگذار بر ترس شهری، تاریکی و خلوت بودن مکان‌ها و عدم نظارت بر مکان‌های عمومی می‌باشد [۱۶]. استفاده از حصارهای ناشفاف، ستون‌های عظیم و چیدمان نامناسب در فضاها امکان دید و نظارت را کاهش داده و

و جنایت و ترس شهری معرفی می‌کند و به اهمیت دید ساختمان‌ها به سمت خیابان اشاره دارد و دید را به عنوان یک عامل بازدارنده معرفی می‌کند [۲۶].

نظریه «پیشگیری از جرائم با استفاده از طراحی محیط» (Crime Prevention through Environmental Design) (Jeffrey) (۱۹۷۱)، بر این ایده استوار است که طراحی مناسب و استفاده مؤثر از محیط ساخته شده می‌تواند به کاهش ترس از وقوع جرم و بهبود کیفیت زندگی منجر شود. اصول این نظریه شامل قلمروهای طبیعی، کنترل دسترسی (در، پنجره، قفل و غیره)، نظارت طبیعی (با جهت گیری مناسب ساختمان‌ها، اندازه و جهت پنجره‌ها، عدم انسداد بینایی)، حمایت از فعالیت‌های اجتماعی، تعمیر و نگهداری می‌باشد [۲۷].

«رویکرد چیدمان فضا» (Space Syntax) هیلر (Hillier) یک رویکرد نظری و تحلیلی است که از روش‌های گرافیکی و ریاضی برای نشان دادن رابطه بین مفاهیم شکل‌یافته و فضای شهری استفاده می‌کند. وی طراحی مجموعه‌های بسته‌ای را که مانع مسیر حرکت طبیعی مردم می‌شود و به حذف غریبه‌ها (چه کسانی که مزاحم نیستند و چه آنها که به غارتگری می‌پردازند) می‌انجامد، مورد انتقاد قرار می‌دهد. او معتقد است حضور مردم چه غریبه و چه آشنا، احساس ایمنی در فضای عمومی را ارتقا می‌دهد و وسیله‌ای است که به کمک آن می‌توان فضا را به صورت طبیعی مورد نظارت قرار داد [۲۸].

جیمز کلینگ و جورج ویلسون (James Wilson) (۱۹۸۲) and George Kelling در مقاله «اثر پنجره‌های شکسته» (Broken Windows Effect) اظهار داشتند که پنجره‌های شکسته می‌تواند منجر به بی‌نظمی بیشتر و افزایش رفتار مجرمانه شود، بنابراین راه را برای تخلفات بزرگ‌تر هموار می‌کند [۲۹].

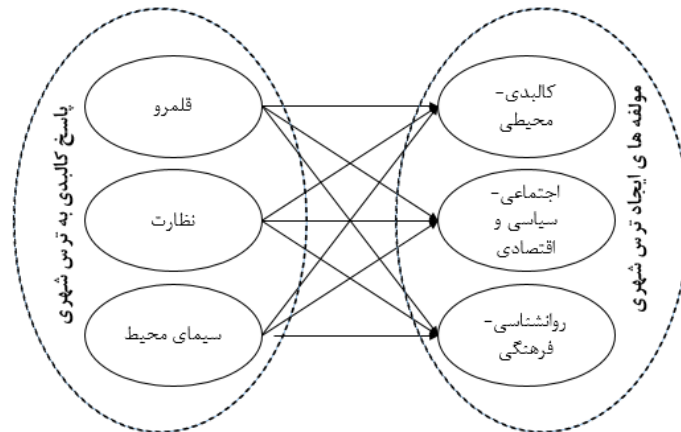
از آنجایی که رسیدن به امنیت را می‌توان به عنوان پاسخی به ترس در نظر گرفت، مولفه‌های بدست‌آمده از نظریات در حوزه فضاهای ایمن را می‌توان به عنوان پاسخی کالبدی در جهت رفع ترس شهری دانست. با جمع‌بندی مولفه‌های مطرح شده، پاسخ کالبدی به ترس شهری را می‌توان به سه مولفه **قلمرو، نظارت و سیمای محیط** طبقه‌بندی کرد: (نمودار ۱).

کالبدی مناسب مثل عناصر معماری (مانند دیوارها، دروازه‌ها، آلارم‌ها) و طراحی‌هایی (مانند حرکات فضایی محدود) به کاهش ترس‌های شهری نظیر جرم و جنایت، شورش، تصادف و بلایای طبیعی کمک کند [۲۳]. در ادامه به طور گسترده به نمود کالبدی پاسخ به چنین ترس‌هایی پرداخته می‌شود.

۲،۳. نمود کالبدی پاسخ به ترس شهری

پاسخ به ترس در امنیت فیزیکی ظاهر می‌شود، به طوری که ساکنان برای محافظت از خود در برابر جهان غیرقابل کنترل (و ترس) تصمیم می‌گیرند در یک منطقه امن زندگی کنند [۲۳]. یکی از نظریات مرتبط با فضاهای امن، نظریه «فضاهای قابل دفاع» (Defensible Spaces) اسکار نیومن (Oscar Newman 1972) هست. فضاهای قابل دفاع فضاهایی هستند که به ساکنین امکان کنترل محیط اطراف خود (خانه، محله و غیره) را می‌دهند [۲۴]. چارچوب نظری نیومن (Newman) حاکی از آن است که فضای قابل دفاع از طریق سه مولفه حیاتی قلمرو، نظارت و سیمای محیط فعال می‌شود که همگی به شدت بر طراحی محیطی تکیه دارند تا به عنوان ابزارهای پیشگیری از ترس شهری عمل کنند. به گفته او، عامل اصلی ایجاد فضای قابل دفاع "این است که سیستمی را برای ساکنان فراهم کند که به آنها اجازه دهد خانه و مناطق اطراف خانه‌های خود از جمله خیابان‌ها و زمین‌های خارج از محل خود را کنترل کنند [۲۴-۲۵]. همچنین در تعریف مفهوم نظارت، وی اشاره می‌کند که خطوط دید از محل سکونت باید واضح و بدون مانع باشد تا بتوان دید خوبی از منطقه اطراف آنها بدهد. وی استدلال می‌کند که سیمای محیط نقش اساسی در میزان جرم و جنایت و ترس شهری اثر گذار است، این عنصر از مفهوم فضای قابل دفاع او نشان می‌دهد که ظاهر فضای مسکونی تصویری از منطقه ایجاد می‌کند که نمادی از سبک زندگی ساکنان است. هنگامی که تصویر یک منطقه منفی است، یعنی زمانی که یک منطقه به عنوان یک فضای مخروبه تلقی می‌شود، از مناطق اطراف متمایز می‌شود و آن را در برابر فعالیت‌های مجرمانه آسیب‌پذیر می‌کند [۲۵].

همچنین جان جاکوبز (Jane Jacobs 1961) در رساله خود به مفهوم «چشمان در خیابان» (Road Eyes) اشاره می‌کند که در آن وجود فضاهای بسته، تاریک و منزوی را عامل اصلی جرم



نمودار ۱: مدل ساختاری پژوهش (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱)

گذشته در شهرهای تاریخی ایران نیز مطرح بوده است، ترس شهری در این شهرها، بیشتر به دلیل هجوم بیگانگان، جنگ‌ها، ناامنی‌ها و آشوب‌های داخلی بوده است و اقداماتی برای رسیدن به امنیت و کاهش ترس صورت می‌گرفته است که در ادامه به بررسی این موضوع در شهر تاریخی تبریز پرداخته می‌شود.

۴. نمونه موردی: شهر تبریز، دوره قاجار

شهر تبریز از لحاظ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و همچنین معماری در سطح کشور از اهمیت و جایگاه منحصر به فردی برخوردار بوده است، ولی سوانح طبیعی و مصنوعی اعم از زلزله‌های پی در پی و جنگ با کشورهای قدرتمند همسایه باعث زیر و رو شدن ساختار این شهر گردیده و امروزه ابعاد شهر تبریز در دوره‌هایی نظیر ایلخانی و صفوی در حاله‌ای از ابهام قرار گرفته است [۳۰]. بر این اساس شهر تبریز دوره قاجار به عنوان نمونه موردی انتخاب گشته است.

تبریز یکی از کهن شهرهای پرآوازه‌ی ایرانی است و در شناخت تاریخی آن باید به این نکته توجه داشت که موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی خاصی که این شهر بر پایه‌ی مناسبات دوران کهن کسب کرده بود، همواره ایجاب و الزام می‌نمود که از استحکامات دفاعی کارآمدی در برابر ترس شهری برخوردار باشد. مؤلفه‌های فیزیکی محافظت، چه طبیعی و چه ساخته‌ی انسان برای مدافعان امتیازی تاکتیکی در برابر افرادی که درصدد گزند رساندن به آنان هستند، فراهم می‌آورد. در ایران قدیم، دفاع غیرعامل یک فرهنگ بود و برای خود اصول و اساس داشت و مردم نیز به اهمیت آن واقف بودند. به نحوی که کنشگران عرصه‌ی عمرانی، در بهرهمند ساختن شهروندان از فضاهای امن چه در مقیاس خرد و چه در مقیاس کلان تردید و تعلل را جایز

در خصوص مفهوم **قلمرو**، نیومن (Newman) به مواردی مثل، جدایی قلمرو خصوصی و عمومی (با موانع فیزیکی مثل حصارها، دیوارها، نرده‌ها و غیره و نمادین مثل کاشت درختان، محوطه-سازی و غیره)، نحوه چیدمان خانه‌ها (خانه‌های تک‌خانواری به جای آپارتمان‌ها و مجتمع‌ها)، وجود حیاط‌های پشتی و خصوصی، طراحی مینی محله‌ها با یک ورودی و خروجی مشترک اشاره می‌کند [۲۴-۲۵].

در مورد مولفه **نظارت**، مفاهیمی مانند چشمان خیابان توسط جان جاکوبز (Jane Jacobs)، نظارت طبیعی (با جهت گیری مناسب ساختمان‌ها، اندازه و جهت پنجره‌ها، عدم انسداد بینایی) توسط جفری (Jeffrey)، روشنایی مناسب، دید مناسب به کوچه و خیابان و عدم دید مستقیم به داخل خانه توسط نیومن (Newman) و نظارت به کمک رویکرد چیدمان فضا توسط هیلر (Hillier) مطرح شده است.

همچنین در خصوص مولفه سیمای محیط، جیمز کلینگ و جورج ویلسون (James Wilson and George Kelling) (۱۹۸۲) به وجود پنجره‌های شکسته و نیومن (Newman) به فضاهای مخروبه و خالی اشاره می‌کنند.

بنابراین می‌توان گفت برای غلبه بر مولفه‌های ترس شهری، فضاهای شهری و معماری همیشه با نیاز به محافظت مواجه بوده‌اند. این امر توسط آگوبلا (Agbola) (۱۹۹۷) به عنوان «معماری ترس» (Architecture of Fear) توصیف شده است که به موجب آن ساکنان، محیط خود را برای به حداقل رساندن پتانسیل جرم تنظیم می‌کنند. این نوع ترس مدت‌هاست بر طراحی شهری و برنامه‌ریزی عمومی تأثیر گذاشته است، برای مثال خندق‌های قلعه‌های قرون وسطایی [۲۳]. این موضوع در

زمانی اندک بارویی دور شهر پدید آورد. بعد از زلزله، حکمرانان سراب و ارومی به تصور اینکه تبریز بعد از چنان فاجعه‌ی بنیان‌کنی دیگر تاب مقاومت نخواهد داشت، به آن شهر حمله کردند و سردار پیر (نجفقلی خان دنبلی) آن حمله‌ها را دلاورانه دفع کرد [۳۰-۳۱].

پس از فوت نجفقلی‌خان، فرزندش خدادادخان که از جانب احمدخان بیگلربیگی تبریز بود خندق این قلعه را حفر نمود [۳۰-۳۱]. خندق در کنار دیوارها و یا به صورت مستقل در نقاط گوناگون به عنوان مانعی برای جلوگیری از تهاجمات بیگانگان ایجاد می‌شده است. خندق‌ها در کنار خود برج‌های دیده‌بانی و دفاعی نیز داشته‌اند که مدافعان را قادر می‌ساختند تا دشمن را سرکوب کنند [۳۴].

همچنین سیاحان توصیفات در مورد برج و بارو شهر تبریز در دوره قاجار داشته‌اند: در سفرنامه‌ی پیرآمده ژوهر (۱۲۱۹ق) آمده است که تبریز در دور شهر، دیوارهای بلند با برج و بارو دارد [۳۵]. فلاندن (۱۲۵۴ق) در سفرنامه خود می‌نویسد: تبریز از هر طرف با حصاری دو پهلو و کنگره‌دار احاطه شده است که برج و باروهای گرد دارند [۳۶]. در سفرنامه جیمز موریه (۱۲۲۳ق) آمده است: سه دروازه شهر با مناره‌های بلند و کاشی‌کاری‌های بسیار زیبا جالب توجه است. غیر از دروازه‌های مووف ۵ دروازه دیگری وجود دارد که بسیار کوچک هستند و قابل توجه نمی‌باشند. حصار شهر چندان محکم نیست و در بعضی جاها که ریزش نموده آنرا با خشت بازسازی کرده اند [۳۷].

بر این اساس می‌توان گفت عناصر معماری مثل برج و بارو و خندق جزو اولین و اصلی‌ترین عناصر معماری هستند که می‌توانند بخش‌های سکونت‌ی شهر را در مقابل هجوم افراد بیگانه حفظ کنند. ریز مولفه‌های قلمرو با جدا سازی فضای خصوصی شهر از محوطه اطراف یک پاسخ کالبدی مناسب به مولفه‌ی کالبدی و محیطی و جنگ‌ها و غارت‌هایی که زیر مولفه‌ی سیاسی-اجتماعی ترس شهری است، داده‌اند. همچنین به دلیل اینکه تبریز در طول تاریخ قتل و غارت‌هایی بی‌سابقه دیده است، این عامل پاسخی مناسب برای تجربه و خاطرات قربانی شدن مردم شهر در دوره جنگ و غارت‌ها بوده است.

در خصوص چیدمان خانه‌ها و بافت شهری، در سفرنامه آگوست-بن‌تان (۱۲۲۱ق)، آمده است: به دلیل ترس از زلزله‌های پی‌درپی، مردم، عمارات را زیاد بلند نمی‌سازند و سعی دارند که سقف منازل

نمی‌دانستند؛ زیرا که فرهنگ عمومی، تساهل در این حوزه‌ی حیاتی را هرگز بر نمی‌تابید [۳۱]. دفاع غیر عامل به معنای دفاع بدون سلاح در برابر تهدید است و گونه‌ای پاسخ به ترس‌های شهری و رسیدن به امنیت می‌باشد و به معنای به کار بردن روش‌هایی است که از زیان اقدام‌های دشمن بکاهد [۳۲]. بر این اساس برای پاسخ به ترس‌های شهری و رسیدن به امنیت، شهرها و بخش‌های سکونت‌ی به گونه‌ای طراحی می‌گشتند که به طور خودکار در برابر این خطرات و تهدیدها با کمترین سطح آسیب-پذیری ایمن گردند. این نوع پاسخ کالبدی به ترس در جهان از قدمتی به اندازه تاریخ زندگی انسان برخوردار است و در طول تاریخ همیشه جزء مهمی از زندگی بشر بوده است. این موضوع در تمامی دوره‌های تاریخی و فرهنگی به گونه‌ای متفاوت خود را نشان داده است. به عنوان مثال، انسان‌های اولیه از مامن‌های طبیعی مثل غارها و پوشش درختان به عنوان قلمروی خود استفاده می‌کردند [۳۳]. بنابراین در ادامه به بررسی عناصر کالبدی که در بخش‌های سکونت‌ی شهر تاریخی تبریز در دوره قاجار به عنوان پاسخی کالبدی به ترس‌های شهری (کالبدی و محیطی، اجتماعی- سیاسی و اقتصادی، روانشناسی و فرهنگی) و رسیدن به مولفه‌های امنیت (قلمرو، نظارت و سیمای محیط) به کار گرفته می‌شده است، پرداخته می‌شود.

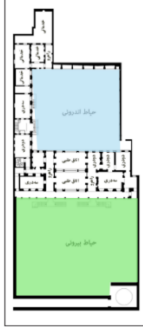

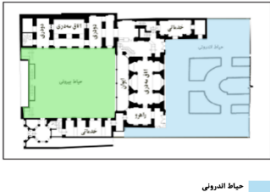
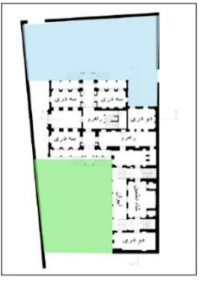
● قلمرو:

شهر تبریز همواره در طول تاریخ از برج و بارو به منزله‌ی سامانه‌ی دفاع شهری، در گرداگرد خود برخوردار بود که باروی غازی یکی از معروفترین و در عین حال بزرگترین حصارهایی بود که در تاریخ تبریز به ثبت رسیده است. استحکامات دفاعی مثل برج و بارو تا جایی اهمیت داشت که بلافاصله بعد از زلزله، احداث دوباره برج و بارو از اقدامات ضروری شهر به حساب می‌آمد. بعد از زمین لرزه ۱۱۹۳ ه.ق. باروی نجف قلی خان آخرین باروی شهر بود که در زمان قاجار احداث شد و به اسم بانی خود نام گذاری شد. این زمین لرزه در زمستان و در موقعی از سال به وقوع پیوست که به خاطر شرایط اقلیمی تبریز، امکان برقراری کارگاه ساختمانی غیرممکن بود. نجفقلی خان، پس از سپری شدن فصل سرما و شروع بهار علیرغم جراحت ناشی از زلزله، از بیم آن که مبادا دشمنانش از امیران افشار اورمیه و کردها و شقاقی‌ها بر شهر تازند و او به جهت نداشتن برج و بارو نتواند از شهر و سکونتگاه خود دفاع کند، بی‌درنگ دست به کار ساختن باروی شهر شد و در

عنوان حیاط بیرونی استفاده می‌گردد (خانه مشروطیت، لاله ای، صحتی). وجود حیاط‌های اندرونی و بیرونی منجر به جداسازی فضای خصوصی و عمومی شده و حس قلمرو را افزایش می‌دهد. همچنین همانطور که بیان شد اکثراً ورود به حیاط‌ها با پله صورت می‌گیرد و پایین تر از سطح معبر طراحی می‌گردد که یکی از دایل آن ایجاد حس امنیت و کاهش ترس برای ساکنین ذکر شد (جدول ۱).

را با تیرهای باریک پوشانند. خانه‌های تبریز مانند همه‌ی شهرهای ایران از خشت خام ساخته شده است. معمولاً سقف خانه‌ها کوتاه، نصف خانه در زیرزمین قرار دارد و نصف دیگر آن از زمین بیرون است. بغیر از در منازل که به بیرون باز می‌شود بقیه روزنه‌ها بداخل عمارت گشوده می‌گردد [۳۸]. حیاط‌ها در خانه‌های دوره قاجار تبریز دو نوع هستند: در برخی از خانه‌ها هر دو نوع حیاط وجود دارد (خانه بهنام، قدکی، امیر نظام گروسی) و در مواردی تنها یک حیاط وجود دارد که بیشتر به

جدول ۱: حیاط‌های اندرونی و بیرونی چند نمونه خانه‌های دوره قاجار تبریز (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱، نقشه برگرفته از (تهرانی و همکاران ۱۳۹۸))


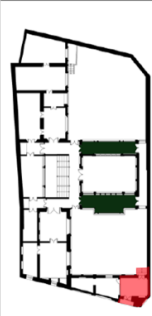
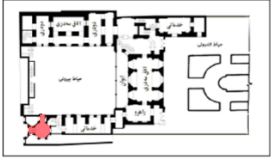
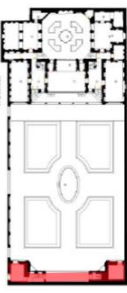



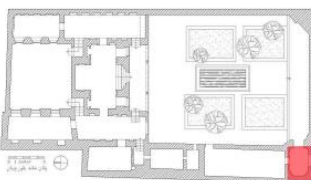
| خانه امیر نظام گروسی | خانه حیدرزاده | خانه قدکی | خانه گنجه ای زاده |
|--|---|--|--|
| اوایل قاجار | دوره قاجار | اواسط دوره قاجار | اواخر دوره قاجار - اوایل پهلوی |
|  |  |  |  |

دارد که نمونه‌ای این موارد در پلان خانه قدکی و حیدرزاده قابل مشاهده است. خانه‌ها در بافت قدیمی و فشرده شهر قرار داشتند که بیشتر آنها دارای چندین همسایگی بوده‌اند. اکثر خانه‌ها از سه جبهه دارای همسایگی بوده و تنها یک جبهه به معبر محدود می‌شده است (خانه قدکی، شربت و غلی، صحتی). در چند مورد نیز خانه از هر ۴ جهت دارای همسایگی بوده است. مثلاً در خانه بهنام ورود به آن از طریق دالان جنوبی صورت می‌پذیرفت که افراد را به هشتی و ورودی مشترک با همسایه غربی (خانه قدکی) می‌رساند [۴۰]. این امر منجر به عدم نفوذ افراد بیگانه به فضای خصوصی خانه شده و احساس و ذهنیت ترس بین ساکنین خانه را کاهش می‌دهد (جدول ۲).

ویلیام اوزلی (۱۲۲۳ق) در سفرنامه خود می‌نویسد: «من متوجه شدم که ابواب بسیاری از خانه‌ها به قدری کوتاهند که ورود آسان اشخاص متوسط القامه ممکن نبود و در مدخل برخی دیگر سه یا چهار پله پایین وجود داشت. یکی از ساکنین به من گفت: این طور ساخته می‌شوند تا از در زدن افراد مزاحم جلوگیری شود» [۳۹].

در برخی دیگر از خانه‌ها از هشتی به عنوان فضای واسط بین سردر و فضای ورودی و درون خانه استفاده می‌کردند [۴۰]. به گونه‌ای که بعد از ورود به هشتی با چند پله وارد حیاط می‌شوند که این مورد علاوه بر عدم دید به فضای داخل به دلیل محرمیت، با کوتاه شدن سقف، منجر به امنیت و ناتوان ساختن ورود اسب سواران مهاجر می‌باشد. در برخی از این خانه‌ها پله بلافاصله بعد از ورودی قرار دارد و هشتی پایین تر از سطح ورودی است و در برخی دیگر پله در قسمت ورود به حیاط و بعد از هشتی قرار

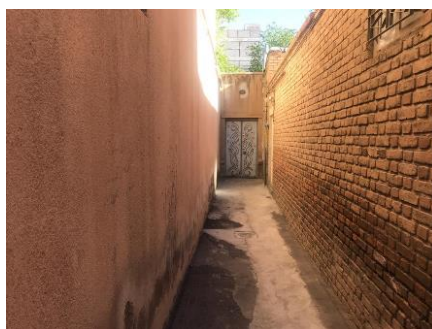
جدول ۲: حیاط های اندرونی و بیرونی چند نمونه خانه های دوره قاجار تبریز، (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱، برگرفته از (کی نژاد و شیرازی ۱۳۸۹))

| خانه امیر نظام گروسی | خانه حیدرزاده | خانه قدکی | خانه بهنام |
|--|---|--|--|
| اوایل قاجار | دوره قاجار | اواسط دوره قاجار | دوره قاجار |
|  |  |  |  |
| مسیر باریک منتهی به ورودی | چند پله بعد از هشتی | ورودی مشترک با خانه بهنام چند پله قبل از ورود به هشتی | ورودی مشترک با خانه قدکی |
| خانه حریری | خانه مشروطه تبریز | خانه سلماسی ها | خانه بلورچیان |
| دوره قاجار | دوره قاجار | دوره قاجار | دوره قاجار |
|  |  |  |  |
| دالان ورودی پر پیچ و خم | چند پله بعد از هشتی | ورودی با پیچ و خم | ورودی از هشتی |

در سفرنامه جیمز موریه (۱۲۲۳ ق)، آمده است: خطر زلزله باعث شده است خانه‌های مسکونی را در تبریز به جای سقف آجری بیشتر با چوب و دیوارهای کوتاه بسازند. به همین دلیل هم سقف بازار بر خلاف سایر شهرهای ایران که از طاق آجری استفاده شده در اینجا از چوب است [۳۷].

به گفته برخی از ریش سفیدان محله طبق بازدید میدانی و مصاحبه‌های صورت گرفته توسط نگارندگان، معمولاً سربازان روسی با اسب وارد شهر شده و به مردم حمله می‌کردند، از این رو

کوچه‌ها را بسیار باریک ساخته بودند تا وقتی یکی وارد محله شد، دیگر سرباز روسی نتواند به آن کوچه وارد شود، چراکه اگر آسیبی وارد کوچه می‌شد دیگر جایی برای دور زدن نداشت و به خاطر همین وارد کوچه‌ها نمی‌شدند. برخی از خانه‌های این کوچه‌های باریک به هم راه داشت و فقط کافی بود تا یک مهاجم وارد کوچه شود و بلافاصله همسایه‌ها با یاری همدیگر او را از پای درآوردند (تصویر ۱).



تصویر (۱): نمونه ای از کوچه های شهر تبریز (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱)

توانستیم از خطر سگ‌های درنده و کپه‌های برف بر حذر باشیم، از کوچه‌های تنگ و باریک گذشتیم. بدور دیوارهای ارگ بدری مخفی که به حیاطی کوچک باز می‌شد رسیدیم [۳۶]. این متن نشان دهنده تاریک بودن کوچه‌ها و احساس ترس در شب را نشان می‌دهد که تنها روشنایی به وسیله فانوس ایجاد می‌شده است.

همان‌گونه که اشاره شد اسکار نیومن (Oscar Newman, 1972) و جان جیکوبز (Jane Jacobs 1961)، به مفهوم نظارت، چشمان در خیابان اشاره دارند که در آن وجود فضاهای بسته، تاریک و منزوی را عامل اصلی جرم و جنایت و ترس شهری معرفی می‌کند. از آنجایی که در گذشته وجود چراغ و روشنایی در محلات و خیابان‌ها رایج نبوده است از عوامل دیگری برای نظارت استفاده می‌کرده‌اند. تمامی ساباط‌ها علیرغم اینکه بعنوان یک عنصر سایبان دائمی بشمار می‌رفته‌اند ولی فرم و شکل یک کنسول یا ایوان و یا یک سقف ساده را نداشته و در قسمت فوقانی خود بر روی گذر بصورت اتاقک کوچکی طراحی می‌شوند که در مناطق مختلف، بسته به شرایط کارکردهای متفاوتی در میان ساکنان و مردمان آن منطقه داشته است. بررسی این مسئله در واقع یک بررسی تاریخی- فرهنگی است و نیازمند تحقیق در شرایط اجتماعی دوران گذشته می‌باشد. در ارتباط با ساباط‌های ساخته شده در معماری آذربایجان روایات نشان می‌دهند که اتاقک فوقانی ساباط‌ها در این منطقه کاربری اتاقک نگهبانی در طول شب‌های دوران نامنی خصوصا دوران اواخر قاجار را داشته است. در طول دوران نامنی و هرج و مرج که راهزنی و غارت شهرها و روستا، در پی ضعف دولت مرکزی رواج می‌یافت ساکنان محله‌ها با گماردن نوبتی افراد در اتاقک‌های مذکور ساباط‌ها که در دیوار رو به ورودی کوچه دارای پنجره بسیار کوچکی بوده پست نگهبانی ایجاد می‌نمودند. وظیفه این نگهبانان این بود که با کنترل دائم ورودی گذر در تمام طول شب به محض احساس خطر و ورود بیگانگان ساکنان محله را از خطر پیشرو آگاه سازند [۴۱]. این امر یک پاسخ کالبدی مناسب به تاریکی و خلوت بودن محله‌ها و بافت پیچ در پیچ و باریک شهر که از ریز مولفه‌های کالبدی- محیطی ترس شهری می‌باشد، بوده است. همچنین یک پاسخ کالبدی به ورود مهاجمان و جنگ و غارت و افسانه و داستان‌هایی که مردم از ترس قربانی شدن داشته‌اند بوده است که جزء ریزمولفه‌های سیاسی- اجتماعی و

در خصوص ریزمولفه استفاده از موانع نمادین مثل علائم و درختان و محوطه‌سازی برای خصوصی‌سازی فضا که در بخش میانی نظری بدان اشاره شد، در سفرنامه جیمز موریه (۱۲۲۳ ق)، آمده است: فصلی که ما وارد تبریز شدیم فصل بسیار زیبا و پرطراوتی بود. حصار گلی و خانه‌های خشتی شهر در زیر پوششی از درختان سرسبز محصور شده بودند [۳۷]. همچنین در سفرنامه آگوست بن تان آمده است: سقف کوچه‌ها اغلب با شاخ و برگ درختان و فرش پوشانده می‌شد به گونه‌ای که اگر کسی سوار بر اسب باشد برای گذشتن از زیر آنها باید خم شود. این خود یکی از عوامل مهم برای ممانعت از ورود افراد بیگانه و اسب سوار مهاجم بوده است [۳۸]. همچنین در قسمت ورودی و خروجی محله‌ها، ساباط‌هایی قرار داشته‌اند که اتاقک فوقانی ساباط‌ها در این منطقه کاربری اتاقک نگهبانی در طول شب‌های دوران نامنی خصوصا دوران اواخر قاجار را داشته است. در طول دوران نامنی و هرج و مرج که راهزنی و غارت شهرها و روستا، در پی ضعف دولت مرکزی رواج می‌یافت ساکنان محله‌ها با گماردن نوبتی افراد در اتاقک‌های مذکور ساباط‌ها که در دیوار رو به ورودی کوچه دارای پنجره بسیار کوچکی بوده پست نگهبانی ایجاد می‌نمودند. وظیفه این نگهبانان این بود که با کنترل دائم ورودی گذر در تمام طول شب به محض احساس خطر و ورود بیگانگان ساکنان محله را از خطر پیشرو آگاه سازند [۴۱]. تصویر ۲ یک نمونه ساباط در شهر تبریز را نشان می‌دهد.



تصویر ۲: نمونه‌ای از ساباط یا دالان‌هایی بر سر کوچه‌ها در شهر تبریز (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱)

نظارت:

در خصوص نور پردازی و روشنایی شهر در دوره قاجار، فنلاندن (۱۲۵۴ ق)، در سفرنامه خود می‌نویسد: شب تاریک بود، در جلوی ما فراشی با فانوس بدست حرکت می‌کرد از پرتوی این روشنایی

روانشناسی - فرهنگی ترس شهری است می‌باشد. تصویر ۳، نمونه ای از ساباط شهر تبریز با پنجره ای جهت دید را نشان می‌دهد.



تصویر ۳: نمونه از ساباط شهر تبریز با پنجره ای جهت دید (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱)

همچنین در خصوص طراحی ورودی در خانه‌ها سعی می‌شده - است، ورودی و خروجی خانه‌ها در امتداد محور اصلی و فرعی بنا قرار نگیرند تا دید مسقیم از ورودی به درون خانه میسر نگردد [۴۰]. که همین امر علاوه بر موضوع محرمت، منجر به احساس امنیت و کاهش ذهنیت ترس در میان ساکنین می‌گشت. در پلان‌های زیر جهت ورود به خانه به گونه‌ای است که منجر به دید فضای داخلی و نماهای اصلی و فرعی خانه نگردد (جدول ۳).

جدول ۳: ورودی‌های خانه های دوره قاجار شهر تبریز (ماخذ: کی نژاد و شیرازی ۱۳۸۹)

| خانه امیر نظام گروسی | خانه حیدرزاده | خانه قدکی |
|----------------------|----------------|------------------|
| اوایل قاجار | دوره قاجار | اواسط دوره قاجار |
| | | |
| خانه بهنام | خانه سلماسی ها | خانه بلور چیان |
| دوره قاجار | دوره قاجار | دوره قاجار |
| | | |

سیمای محیط:

در خصوص بافت شهر و گذرهای شهر تبریز در دوره قاجار سیاحان، توصیفات داشته اند: پیرآمده (۱۲۱۹ ق) در این باره می‌نویسد: در شهر تبریز کوچه‌های پیچ در پیچ سنگ فرش نشده و دیوارهای خاکی نامساوی‌اش هم کوتاه هستند [۳۵]. فلاندن (۱۲۵۴ ق) چنین توصیف کرده است که «تبریز به علت لرزه‌های مداوم دارای اراضی‌ای بوده است که خرابی‌های مستور داشته است. همچنین خرابه‌های تبریز علاوه بر زلزله باید از جنگ‌هایی بوده باشد که در این محل واقع شده‌است. حالت تبریز غمگین و حزن‌آور است. بیرون دیوارها به هر طرف آبادی‌های وسیعی است که به شهر اتصال دارند. احتمال می‌رود وسعتی که تبریز در پیش داشته این است که این دهکده‌ها به او متصل بوده و تشکیل شهر تبریز را می‌دادند. اما در اثر شوم‌ترین مصیبت‌هایی که به این شهر وارد شده معلوم می‌گردد، یک قسمت از اهالی‌اش مهاجرت کرده یا مرده‌اند [۳۶]. همچنین در سفرنامه آگوست بن تان آمده است: ظاهر شهر بسیار غم‌انگیز است [۳۸]. همچنین در مورد بافت شهر و چیدمان محله و خانه‌ها، روشنی و ثقفی اصل (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان تحلیل تطبیقی ساختار اصلی شهر تبریز از اواخر دوره قاجار تا معاصر با استفاده از تکنیک چیدمان فضایی، نشان می‌دهد که شهر تبریز در دوره قاجار، دارای بافت سنتی ایرانی بوده و وضوح بسیار اندکی دارد و این امر سبب می‌گردد فضاها خصوصی و نیمه خصوصی باشند؛ در نتیجه افراد غریبه درک کمتری از کلیت بافت به دست می‌آورند. احتمال نفوذ به نقاط خصوصی و نیمه خصوصی کمتر می‌شود و کنترل اجتماعی شدت می‌یابد [۴۲].

نتیجه گیری

ترس درک منفی از مکان است و زمانی اتفاق می‌افتد که شخص امنیت شخصی خود را در معرض خطر احساس کند و کنترل خود از محیطی را که در آن زندگی می‌کند از دست داده باشد. ترس می‌تواند یکی از عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری ساختار شهر باشد. ترس شهری پدیده‌ای اجتماعی- فرهنگی است که شامل مولفه‌های کالبدی و محیطی، اجتماعی- سیاسی و اقتصادی، روانشناسی و فرهنگی است. به دلیل وجود چنین ترس‌هایی در سطح شهر، نیاز به امنیت احساس می‌گردد و پاسخ به چنین ترس‌هایی زمانی حاصل می‌گردد که فضای امن برای ساکنین فراهم گردد. رسیدن به امنیت با مولفه‌هایی نظیر قلمرو، نظارت و

سیمای محیط صورت می‌گیرد که به عنوان پاسخی مناسب به مفهوم ترس شهری می‌باشد.

در حوزه مفهوم قلمرو، شهر تاریخی تبریز در دوره قاجار با عناصر معماری نظیر، برج و بارو، حصار، خندق در درجه اول به حفظ شهر و بخش‌های سکونت‌ی شهر از هجوم بیگانگان و جدایی قلمرو خصوصی از عمومی می‌پرداخته‌اند. همچنین در ورودی محلات سابط‌هایی برای جدایی قلمروی خصوصی محله از سایر فضاها وجود داشته‌است. علاوه بر این کوچه‌های پر پیچ و خم، تنگ و باریک مانعی برای ورودی افراد بیگانه بوده‌است. هم‌جهت نبودن ورودی و خروجی خانه‌ها با محورهای اصلی و فرعی خانه علاوه بر موضوع حریمیت، به دلیل ایجاد حس امنیت برای ساکنین بوده‌است. فرارگیری نصف خانه در زیر زمین، پوشش حصار با درختان سرسبز، پوشش سقف کوچه‌ها با شاخ و برگ درختان، کوتاه بودن ورودی خانه‌ها، همه عنصر معماری جهت ممانعت از ورود افراد بیگانه بوده‌اند. به عنوان مثال کوتاه بودن ورودی خانه‌ها از ورود اسب‌سوارهای مهاجم ممانعت نموده و فرصت برای فرار را فراهم می‌نموده‌است و این موضوع برای افرادی که تجربه قربانی شدن داشته‌اند، منجر به ایجاد حس امنیت و کاهش ترس می‌شده‌است.

در مورد مولفه نظارت، بررسی اسناد کتابخانه‌ای نشان داد که در گذشته در این شهر، دید و نظارت توسط نگهبانانی صورت می‌گرفته‌است که در داخل اتاقک نگهبانی سابط‌ها در ورودی محله قرار داشته‌اند و هیچ نوع پنجره‌ای به سمت کوچه و محله وجود نداشته‌است و این احتمالاً به دلیل بحث حریمیت در گذشته بوده‌است. همچنین برای ایجاد حس امنیت و کاهش ترس در کنار حریمیت، از دالان‌های پر پیچ و خم در ورودی خانه‌ها استفاده می‌کردند و ورودی و خروجی خانه‌ها در جهت محورهای اصلی خانه نبوده‌اند. و برای روشنایی در شب از فانوس‌هایی برای رفت- و آمد استفاده می‌شده‌است.

همچنین در مورد مولفه سیمای محیط، می‌توان چنین گفت که وجود خرابی‌های مانده از جنگ‌ها در محلات و بافت مسکونی شهر منجر به ایجاد حس ترس و ناامنی برای ساکنین می‌شده‌است به گونه‌ای که سفرنامه‌نویسان در سفرنامه‌های خود از حالت غم‌انگیز شهر سخن گفته‌اند. همچنین خرابی برج و باروها در سطح شهر به دلیل جنگ‌های صورت‌گرفته، احساس ناامنی و ترس از قربانی شدن برای ساکنین ایجاد می‌کردند که بعد از هر

خانه‌ها، تلاش ساکنین جهت ایجاد فضایی امن را نشان می‌دهد - است. در نهایت در جدول ۴ به جمع بندی مولفه‌های تاثیر گذار بر ترس شهری و پاسخ کالبدی به آن‌ها پرداخته شده است.

خرابی سعی در ساخت مجدد و ترمیم آنها داشته‌اند. همچنین سیمای شهر و بافت شهری با وجود کوچه‌های تنگ و باریک، خانه‌هایی با درب‌های کوتاه و عدم وجود روزنه در دیوارهای

جدول ۴: پاسخ کالبدی بخش سکونت‌ی شهر تبریز، دوره قاجار به ترس شهری (ماخذ: نگارندگان)

| سیمای محیط | | نظارت | | قلمرو | | کالبدی - محیطی | اجتماعی - سیاسی و اقتصادی | روانشناسی و فرهنگی | مولفه ها و معیار های تاثیر گذار بر ترس شهری |
|--|--|--|--|---|--|---|---|---|---|
| <p>کوتاه بودن عمارات نبود منار برای مساجد ساخت خانه‌ها از خشت خام کوتاه بودن سقف خانه‌ها تک طبقه بودن خان‌ها دیوارهای ضخیم و کوتاه پوشش سقف منازل با تیرهای باریک</p> | | <p>استفاده از فانوس و چراغ‌های روشنایی</p> <p>اتاقک‌های نگهداری در ساباطها (در گذشته خانه ها جهت امنیت و محرمت پنجره ای به سمت کوچه نداشته اند)</p> | | <p>دروازه‌ها دیوارهای بلند حصارهای دو پهلو و کنگره دار برج و بارو خندق پوشش حصار با درختان سرسبز استفاده از موانع نمادین مثل درخت</p> <p>حیاط‌های اندرونی و بیرونی وجود حیاط های خصوصی پشتی با امکان دسترسی از داخل</p> | | | | | |
| <p>بافت شهری مناسب</p> | | <p>هم جهت نبودن ورودی و خروجی خانه‌ها با محورهای اصلی و فرعی خانه ورودی پریچ و خم و غیر مسقیم به خانه وجود پله در ورودی خانه</p> | | <p>عدم دید مستقیم به داخل خانه</p> | | <p>خانه‌های تک طبقه تک خانواری بدون روزنه</p> | <p>طراحی مینی محله‌ها با یک ورودی و خروجی ساباط هایی در ورودی محلات هم‌جهت‌نبودن ورودی و خروجی خانه‌ها با محورهای الی و فرعی خانه</p> | <p>قرارگیری نصف خانه در زیر زمین پوشش حصار با درختان سرسبز پوشش سقف کوچه ها با شاخ و برگ درختان و فرش کوتاه بودن ورودی خانه ها کوچه های تنگ و باریک</p> | <p>استفاده از عناصر فیزیکی جهت ممانعت از ورود مهاجمان</p> |
| <p>کوچه‌های بپیچ در پیچ کوچه‌های تنگ و باریک کوچه‌های سرپوشیده جهت ممانعت از ورود اسب سواران خانه‌هایی با درهای کوتاه جهت ممانعت از مزاحمت افراد بیگانه حصارهایی اطراف شهر</p> | | <p>استفاده از فانوس اتاقک‌های نگهداری در ساباطها هم جهت نبودن ورودی و خروجی خانه‌ها با محور های الی و فرعی خانه نبود روزنه‌ای به سمت بیرون بجز در اصلی</p> | | <p>نور پردازی و روشنایی و چشمان ناظر جهت ممانعت از تهاجم</p> | | <p>قرارگیری نصف خانه در زیر زمین پوشش حصار با درختان سرسبز پوشش سقف کوچه ها با شاخ و برگ درختان و فرش کوتاه بودن ورودی خانه ها کوچه های تنگ و باریک</p> | <p>استفاده از عناصر فیزیکی جهت ممانعت از ورود مهاجمان</p> | <p>استفاده از عناصر فیزیکی جهت احساس امنیت</p> | <p>تعمیر و بازسازی مخروبه های به جا مانده از جنگ ها و زلزله ها احداث دوباره و سریع برج و بارو</p> |
| <p>بافت شهری مناسب برای پیش بینی خطرات ناشی از تهاجم</p> | | <p>استفاده از فانوس اتاقک های نگهداری در ساباط ها هم جهت نبودن ورودی و خروجی خانه ها با محور های الی و فرعی خانه</p> | | <p>نور پردازی و روشنایی و چشمان ناظر جهت امنیت</p> | | <p>دروازه ها دیوار های بلند حصار های دو پهلو و کنگره دار برج و بارو و خندق</p> | <p>استفاده از عناصر فیزیکی جهت احساس امنیت</p> | <p>تعمیر و بازسازی مخروبه های به جا مانده از جنگ ها و زلزله ها احداث دوباره و سریع برج و بارو</p> | <p>از بین بردن فضاهای مخروبه و خالی</p> |

[12] Roman, C. Knight, C. Chalfin, A and Popkin, S. (2009). The Relation of the Perceived Environment to Fear, Physical Activity, and Health in Public Housing Developments: Evidence from Chicago. *Journal of Public Health Policy*.

[13] Pak-nahad, A. (2013). Feeling of insecurity and fear of crime. *Teachings of Criminal Law, Razavi University of Islamic Sciences*. N: 5.

[14] Poormohammadi, M., Gorbanian, M. (2014). Fear of crime in urban space, identification of spatial components affecting fear control and increasing social security based on theoretical frameworks. *Fear of crime in urban spaces*. N: 19.

[15] Afshar, S., Alizadeh aghdam, M., Abbaszadeh, M and Kuhi, K. (2019). Meta-analysis of the studies conducted on factors affecting the fear of crime among Iranian citizens. *Social issues of Iran*. N: 1.

[16] Bayat, N., Poorgholami, M., Asanloo, A and Talebian, F. (2018). Meta-analysis of the studies conducted on factors affecting the fear of crime among Iranian citizens. *Social issues of Iran*. N: 1.

[17] Othman, F. Mohd Yusoff, Z. Aekbal Salleh, S. (2020). The impact of physical features and environment on crime in urban neighbourhood areas. *Journal of the Malaysian Institute of Planners*. Volume 18. Issue 4.

[18] Sakip, S. Bahaluddin, A. Hassan, Kh. (2016). The Effect of Mural on Personal Crime and Fear of Crime. *Social and Behavioral Sciences* 234.

[18] Ahmadipour, Z. Rashidi, Y. (2018). geopolitical analysis; Representation of spaces of fear in cinema. *Geopolitics Quarterly*. No:2.

[20] Benz, T. (2014). At the Intersection of Urban Sociology and Criminology: Fear Of Crime and the Postindustrial City. *Sociology Compass*.

[21] Klmntes, K., Ghasemi, M. (1997). Toward the sociology of security, translator. N:2.

[22] Risdiana, D and Susanto, T. (2019). The safe city: conceptual model development- a systematic literature review. *Procedia Computer Science* 161 (2019) 291–299.

[23] Lemaneski, Ch. (2006). Residential responses to Fear (of crime Plus) in two Cape town suburbs: Implications for the post-apartheid city. *Journal of International Development*. Dev. 18, 787–802

[24] Newman, O. (1996). *Creating Defensible Space*.

[25] Reynald, D. Elffers.H. (2009). *The Future of Newman's Defensible Space Theory*. *Criminology and SAGE Publications*. Volume 6 (1).

[26] Fisher, B. Anthony, D.L and Perkins, D.D. (2013). *Defensible space theory*. In J.I. Ross (Ed.),

این پژوهش نشان می‌دهد که در پژوهش‌های آتی نیاز به بررسی دقیق سایر عناصر کالبدی شهر مثل مساجد، بازار و غیره وجود دارد. همچنین این مطالعه می‌تواند در سایر شهرهای تاریخی ایران نظیر اصفهان، شیراز و غیره صورت گیرد.

پی‌نوشت:

این مقاله مستخرج از گزارش پژوهشی نویسنده اول برای درس "تاریخ فرهنگی معماری اسلامی ایران" در مقطع دکتری رشته معماری اسلامی است که تحت نظر سایر نویسندگان در دانشگاه هنر اسلامی تبریز به انجام رسید.

منابع:

[1] Jarymowicz, M. Bartal, D. (2006). The dominance of fear over hope in the life of individuals and collectives. *European Journal of Social Psychology*.36.

[2] Ellin.N.(2003). Fear and city building. *Urban Studies Review* 38.

[3] Fazeli, N. (2017). Fear and modernity, formulation of the problem of fear and insecurity in contemporary Iran. *Social and Cultural Strategy Quarterly*. N:28.

[4] Taheri, A. (1968). Historical geography of Gilan, Mazandaran, Azerbaijan from the point of view of tourists. *Central Council of Iranian Imperial Celebrations*.

[5] Bannister, j. Fyfe, N. (2001). Introduction: Fear and the City. *Urban Studies*, Vol. 38, Nos 5–6, 807–813.

[6] Smith, I. Jackson, j. (2012). *Urban Fear and Its Roots in Place*.

[7] Tandogan, O. Simsek Ilhan, B. (2016). Fear of Crime in Public Spaces: From the View of Women Living in Cities. *World Multidisciplinary Civil Engineering-Architecture-Urban Planning Symposium*.

[8] Prokop, p. (2016). *Universal Human Fears*. *Encyclopedia of Evolutionary Psychological Science*.

[9] Van Melik, R. Van Allst, I and Van Weesep, J. (2007). Fear and Fantasy in the Public Domain: The Development of Secured and Themed Urban Space. *Journal of Urban Design*, Vol. 12. No. 1.

[10] Nasar, j. Fisher, B. Grannis, M. (1993). Proximate physical cues to fear of crime. *Landscape and Urban Planning*, 26.161-178.

[11] Bakratsa, F. (2011). The perception of fear conditioning urban space.

Azerbaijan. International Conference on Civil Engineering Architecture & Urban Sustainable Development

[42] Roshni, Mehdi and Thaghafi Asl, Arash. (2015). Comparative analysis of the main structure of the city of Tabriz from the end of the Qajar period to the present day using the technique of spatial arrangement. The scientific-research journal of the Scientific Association of Architecture and Urban Planning of Iran

Encyclopedia of Street Crime in America (pp. 130-133). Sage Publications. (March 28, 2013) ISBN-10: 141299957X ISBN-13: 978-1412999571

[27] Armitage, R. (2016). Crime Prevention through Environmental Design. In: Environmental Criminology and Crime Analysis. Crime Science Series. Routledge, Abingdon, UK, pp. 259-285.

[28] Shakoori asl, Sh. (2015). Identifying the environmental characteristics affecting women's sense of security in urban spaces, a case study: Special and health neighborhoods, district 11 of Tehran. Scientific and research quarterly of urban studies. N:21

[29] Van der Weele, J. Flynn, M and Van der Wolk, R. (2017). Broken Window Effect.

[30] Balilan asl, L., Sattarzadeh, D. (2011). Comparison of the expansion of the city of Tabriz in the Ilkhani, Safavid and Qajar periods based on historical documents. City Identity. N:21.

[31] Kabir-saber, M. (2013). Levels of thought and action in the defense architecture of Darul Sultanah of Tabriz, a case study: why and how to create the passive defense system of the city after the 1193 earthquake. Q. Two scientific-research quarterly journals of crisis management. N:9.

[32] Modiri, M., Karami, M., Ansari-zadeh, S., Heydari, T. (2012). Indicators of passive defense security in land use. Defense Strategy Quarterly, N:41.

[33] Hesampour, M, Adibi-Larijani, H, Rouhian, M, Kazemi, S. (2019). Investigation of Passive Defense Components in the Design of Urban Parks (Case Study: Jannat Shiraz Garden). Sci J Rescue Relief; 11(1): 42-8.

[34] Pazuki Troudi, N. (1997). Defense fortifications in Iran during the Islamic period. Cultural Heritage Organization of the country.

[35] The travel book of Pir Vahede Jobar. 1291 A.H. Translated by Mahmoud Hedayat (1943).

[36] Eugene Flandern's travelogue to Iran, translated by Hossein Noor Sadeghi. 1254

[37] James Moriah's travelogue. Translated by Abul Qasim Seri (2007).

[38] August Bin Tan's travelogue, translated by Mansoura Nazan Mafi-Liang.

[39] William Ouseley's travelogue, 1223. Travelogue of different countries of the East, especially Iran (in 3 volumes, London, 1823-1819)

[40] Keinejad, MA and Shirazi MR. (2010). Old houses of Tabriz. Islamic Republic of Iran Art Academy

[41] Sabouri Nojedehi, Reza and Shokohi Tabrizi, Sepideh. (2013). Sabat in the architecture of